

مطهری و سیاست: ظرفیت‌های آثار استاد برای دروس علوم سیاسی

محمد منصورنژاد*

چکیده

نوشتار حاضر با نگاهی مسئله‌محور به آثار استاد مطهری در زمینه دانش سیاسی به‌رشته تحریر درآمده و به این پرسش می‌پردازد که منابع موجود از این نویسنده تا چه حد و در چه زمینه‌ها و گرایش‌هایی در تأمین متون و سرفصل‌های علوم سیاسی می‌توانند مفید باشند. برای استخراج داده‌ها با روش تحلیل محتوا از عناوین و فهرست مطالب آثار و فیش‌برداری از آنها مجموعه داده‌های اصلی در دو مقوله سامان یافته‌اند: دیدگاه مطهری درباره حکومت و دولت و دیدگاه مطهری درباره قدرت سیاسی. از جمله یافته‌های تحقیق عبارتند از اینکه مطهری نه داعیه استخراج

; (نویسنده مسئول)، دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تهران

(Dr.mansoornejad@gmail.com)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۱۹

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دهم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۴، صص ۲۰۵-۲۲۶

دانشی از سیاست را داشت که از مضامین غیرارزشی بحث می‌کنند (مانند اقتصاد سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی و...) و نه داعیه این داشت که در زمینه همه مسائل ارزشی این دانش نیز اظهارنظر کند. درعین حال بیشتر یافته‌ها حکایت از آن دارند که اکثر مطالب مطهری در زمینه سیاست به مباحث مربوط به نظام سیاسی و مسائل ارزشی مربوط بوده است، بدون اینکه از سایر مسائل کاملاً فارغ باشد. همچنین ارتباط استاد با جریان روشنفکری سبب شد تا ایشان به برداشت معتدلی در رهیافت‌های سیاسی مرتبط با دین برسند.

واژگان کلیدی: مطهری، سیاست، حکومت، دولت، قدرت سیاسی

مقدمه

الف - طرح مسئله

در این سال‌ها در ایران برخی با عزمی جزم به بازنگری در متون سیاسی موجود پرداخته و برخی دیگر نیز این اقدام را در شیوه جاری به دلایل بسیاری ناصواب می‌بینند. به نظر می‌رسد محل نزاع، جدای از مجریان این فرایند، توجه و تأکید بر محتوا دارد. به عبارت واضح‌تر آیا متون و محتوای جدی و شایسته‌تر از مفاد و مواد پیشین، در بحث علوم سیاسی، تولید شده و وجود دارد تا به راحتی این جابه‌جایی صورت پذیرد؟ اگر وجود دارد، چرا چنین داده‌های وسیع و جامعی که در اصل به تغییر پارادایمی در علوم سیاسی هم منجر می‌شود، به چشم نمی‌آیند؟ اگر وجود ندارد، آیا قرار است با تغییر سرفصل، در دانش سیاسی از چاله به چاه بیافتیم؟

در بین اندیشمندان ایرانی-اسلامی چند دهه اخیر، استاد مطهری جایگاه ویژه‌ای داشته و از آن‌رو که هم از استادان شاخص حوزوی بوده و هم از معدود روحانیونی است که در دانشگاه‌ها حضور داشته و فضای آکادمیک را تجربه کرده و با روشنفکران مختلف تعامل سازنده‌ای داشتند، مقبولیت نسبی و خوبی در بین حوزویان و دانشگاهیان دارند؛ به ویژه اینکه به صورت میان‌رشته‌ای به مباحث مربوط به حیطه‌های مختلف علوم انسانی پرداخته‌اند. مراجعه به آثار ایشان و استخراج داده‌های سیاسی، محک خوبی است تا ظرفیت مواد و مفاد علوم انسانی بومی با رویکرد دینی برای تأمین منابع متون علوم سیاسی مورد توجه قرار گیرند. دست‌کم انتظار می‌رود که براساس اندیشه مطهری، (که در اندیشه‌ورزی از هم‌صنفان خود بسیار جلوتر بود) بتوان استخراج مبانی و اصول اندیشه سیاسی بومی را امکان‌سنجی

کرد.

از این رو پرسش اساسی نوشتار حاضر آن است که منابع موجود از استاد مطهری تا چه حد و در چه زمینه‌ها و گرایش‌هایی در تأمین متون و سرفصل‌های علوم سیاسی می‌توانند مفید باشند؟

ب - مفهوم‌بندی

مفهوم کلیدی این پژوهش، «سیاست» است. از آنجاکه در ادامه نیز درباره برداشت موریس دورژه از سیاست نکاتی مطرح می‌شود، در این قسمت از تأمل مفهومی خودداری می‌شود تا بتوان بیشتر به اصل بحث پرداخت.

۱. روش تحقیق

روش تحقیق در این نوشتار، تاریخی (تاریخ اندیشه) و روش گردآوری داده‌ها نیز اسنادی است. در کنار فیش‌برداری از سایر منابع مرتبط، منابع اصلی تحقیق حاضر، کتاب‌های استاد مطهری هستند. برای گزینش مطلب به برخی نرم‌افزارها و نیز سایت استاد مطهری^(۱) مراجعه شد. این منابع، ۷۴ عنوان اثر شامل کتاب‌ها، سخنرانی‌ها و دست‌نوشته‌های استاد را شامل می‌شدند. برای ملاحظه مباحث سیاسی، نام و موضوع کتاب‌ها و سپس فهرست مطالب، منابع مذکور تحلیل محتوا شدند. از این بین براساس عنوان، ابتدا ۱۶ جلد از آثار استاد برگزیده شدند. سپس در ادامه به تناسب مباحث، برخی منابع دیگر که می‌توانست مکمل مباحث کتاب‌های یادشده باشد، مورد مراجعه قرار گرفت.

بر این اساس با ملاکی دیگر، می‌توان روش گردآوری داده‌ها در آثار استاد مطهری را روشی استقرایی درباره مباحث سیاسی نیز دانست.

همچنین در روش تدوین مطالب، بنا بر ارائه سرنخ‌های مطالب و معرفی منابع مرتبط با دانش سیاسی از آثار استاد مطهری است. از این رو بسیاری از محورهایی که در این نوشتار تنها مورد اشاره قرار گرفته‌اند، خود ظرفیت تألیف مقاله و در برخی موارد، کتاب مستقل را نیز دارند.

۲. سیاست در اندیشه استاد مطهری

«موريس دوورژه» در كتاب اصول علم سياست مي نويسد: پاره‌اي از متفكران، سياست را علم حكومت بر كشورها (فن و عمل حكومت بر جوامع انساني) مي دانند و گروه بيشترى سياست را علم قدرت سازمان يافته در كلييه جماعات مي بينند (دوورژه، ۱۳۵۸: ۳). در اينجا بدون اولويت بندي دو نگرش يادشده، اندیشه سياسي استاد مطهری و دیدگاه ایشان درباره مسائل دانش سياسي براساس هر دو برداشت معرفی می‌شوند:

جدول شماره (۱). اندیشه استاد مطهری درباره مسائل سياسي براساس دو برداشت از سياست

مطهری و سياست در دو معنا	
معناي اول	سياست به معنای علم حكومت بر كشورها
معناي دوم	سياست به معنای علم قدرت سازمان يافته

۲-۱. مطهری و دولت و حكومت

در اين قسمت نکات برجسته مربوط به دولت و حكومت در اندیشه استاد مطهری بازتاب می یابند.

۱-۲. جایگاه حاکم و مردم

مطهری در قالب گفتمان شیعی نظریه پردازی می‌کرد و از این رو جا دارد ابتدا نگاه او درباره شیوه حکمرانی معصومین هرچند به صورت گذرا مورد توجه قرار گیرد. از نگاه ایشان ولایت زعامت، یعنی حق رهبری اجتماعی، یکی از شئون پیغمبر اکرم در زمان حیات خودشان (در کنار مرجعیت دینی و ولایت قضایی) بود و پس از ایشان طبق دلایل زیادی که غیرقابل انکار است، به اهل بیت رسیده است (مطهری، ۱۳۶۵: ۲-۵۰).

حاصل سخن مطهری در تعامل مردم و حاکم، حتی در عصر حاکمیت امام معصوم، در این فراز خلاصه شده است که: در منطق نهج البلاغه، امام و حکمران، امین و پاسبان حقوق مردم و مسئول در برابر آنها است، از این رو حکمران و مردم اگر بنا است یکی برای دیگری باشد، این حکمران است که برای توده محکوم است، نه توده محکوم برای حکمران (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۲۷-۳۵). به همین دلیل

استاد بر این باورند که اگر امام به حق (معصوم) را مردم از روی جهالت و عدم تشخیص نمی‌خواهند، او به زور نباید و نمی‌تواند خود را به امر خدا تحمیل کند. لزوم بیعت هم برای این است (مطهری، ۱۳۷۱: ۲۰۷).

اما دیدگاه استاد مطهری درباره حاکمیت سیاسی در عصر غیبت را در مجموع مواضع ایشان در یکی دو سال آخر عمرشان به صورت مشخص می‌توان دید. از دیدگاه شهید مطهری، دین و دموکراسی منافاتی با یکدیگر ندارند (مطهری، ۱۳۶۱: ۸۳).

ایشان درباره اختیارات ولایت فقیه هم معتدلانه و به نحو زیر اظهار نظر می‌کنند: جایگاه فقیه حاکم و کارکردش از این نگاه، براساس گزارش استاد به نحو زیر قابل‌تقریر است: ولایت فقیه، یک ولایت ایدئولوژیکی است و اساساً فقیه را خود مردم انتخاب می‌کنند و این امر عین دموکراسی است. اگر انتخاب فقیه، انتصابی بود و هر فقیهی، فقیه بعد از خود را تعیین می‌کرد، جا داشت که بگوییم این امر، خلاف دموکراسی است. اما مرجع را به عنوان کسی که در این مکتب صاحب نظر است، خود مردم انتخاب می‌کنند. حق شرعی امام (خمینی) از وابستگی قاطع مردم به اسلام به عنوان یک مکتب و یک ایدئولوژی ناشی می‌شود و مردم تأیید می‌کنند که او مقام صلاحیت‌داری است که می‌تواند قابلیت اشخاص را از نظر انجام وظایف اسلامی تشخیص دهد. درحقیقت، حق شرعی و ولایت شرعی، یعنی مهر ایدئولوژی مردم، و حق عرفی، همان حق حاکمیت ملی مردم است که آنها باید فرد مورد تأیید رهبر را انتخاب کنند و به او رأی اعتماد بدهند. (مطهری، ۱۳۶۱: ۸۶-۷) و تلاش می‌کرد روایتی مردم‌سالار از جمهوری اسلامی ارائه کند؛ از این رو می‌گفت: هیچ‌کس نمی‌خواهد اسلامی بودن جمهوری اسلامی را بر مردم تحمیل کند، این تقاضای خود مردم است (مطهری، ۱۳۶۱: ۸۵).

۲-۱-۲. روحانیت و حکومت

درباره مناسبات روحانیت و قدرت، دیدگاه استاد قابل توجه است و البته لازم است اضلاع مختلف موضوع از نظر ایشان همگی موردعناایت قرار گیرند. این موضوع خود می‌تواند در نوشتار مستقلی مورد بررسی قرار گیرد. اما نکات کلیدی دیدگاه او

درباره این موضوع، به شکل زیر قابل تلخیص است:

۱. روحانیت نهاد بی‌عیب و نقصی نیست و از این رو استاد از «مشکلات سازمان

روحانیت» طرح بحث می‌نمود (مطهری، ۱۳۶۸: ۳۰۳)؛

۲. روحانیت بالاصاله، نباید قدرت اجرایی سیاسی برعهده بگیرد؛ مگر به حسب

ضرورت؛

۳. امتیاز روحانیت شیعه، استقلال آن از نهاد قدرت و حکومت بوده و این

ویژگی باید محفوظ بماند (مطهری، ۱۳۷۴: ۲۵-۶)؛

۴. از نگاه مطهری، روحانیت در قیاس با شأن روشنفکری، نهاد بسیار لایق و

شایسته، بلکه تنها گزینه مناسب هدایت فکری جامعه اسلامی شیعی است (مطهری،

۱۳۶۸: ۷۳-۸۳).

نتیجه اینکه روحانیت در بالاترین مراجع اقتدار حکومتی حضور داشته و نقش

ایدئولوگ را ایفا می‌کند، بر مسندهای قضا هم می‌نشیند، مدیریت فکری جامعه را

بر دوش دارد، اما بالاصاله در مدیریت‌های اجرایی سیاسی دخالت نمی‌کند.

۳-۱-۲. مطهری و اصلاح‌طلبی

از کتاب‌های مهم استاد مطهری که تا حد قابل توجهی با سرفصل‌های دانش سیاسی

در برخی درس‌ها مرتبط است، اثری به نام «نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر»،

می‌باشد. مطهری این نوشتار را با تعریف واژه «اصلاح» شروع می‌کند. مورد

استعمال واژه اصلاح در قرآن رابطه میان دو فرد، محیط خانوادگی و محیط بزرگ

اجتماعی است. قرآن کریم، در مجموع تعبیرات خود، پیامبران را مصلحان می‌خواند

(مطهری، ۱۳۶۸: ۹-۶).

در این کتاب مهم هم استاد به جنبش‌های اصلاحی در تاریخ اسلام و به‌ویژه

سده اخیر از سید جمال به بعد می‌پردازد و یادآور می‌شود که مصلحان در تاریخ

معاصر اسلامی، هم‌زمان در سه جبهه می‌جنگیدند: نخست، مبارزه با استعمار؛ دوم،

مجاهده علیه حکومت‌های استبدادی و در نهایت مبارزه با قشری‌گرایان در جهان

اسلام. و در پایان به نهضت و انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد. این اثر برای

درس‌هایی چون مسائل منطقه‌ای و انقلاب اسلامی، منبع کمکی مناسبی خواهد بود؛

به‌ویژه اگر به مباحث کتاب یادشده، محتوای مباحث دو کتاب دیگر نیز افزوده شوند: «پیرامون انقلاب اسلامی» و «پیرامون جمهوری اسلامی». شایسته است پژوهشگری توانا، سنتزی از این سه کتاب را به‌عنوان متون درسی علوم سیاسی برای برخی درس‌ها و سرفصل‌ها بازنویسی کند.

۴-۱-۲. مطهری و آزادی

درباره «آزادی» نگرش‌های مختلفی وجود داشته و هریک نیز بر مبنایی متکی می‌باشند. در برخی منابع سه محور زیر به‌عنوان مبنای آزادی از نگاه استاد مطهری بر شمرده شده‌اند:

۱. جبر و اختیار؛

۲. فطرت؛

۳. عقل، اراده و تکامل انسان. (میراحمدی، ۱۳۸۱: ۱۹۱) (که البته این ملاک سوم اصلاً دقیق نیست).

استاد مطهری در ترویج دین و ایمان با توجیه زیر، مبنا را بر آزادی قرار می‌دهند: ایمان را که نمی‌شود به‌زور به کسی تحمیل کرد. طبعاً در این‌گونه مسائل باید مردم آزاد باشند، یعنی امکانی غیر از آزادی وجود ندارد. (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۱۸).

مطهری مانند بسیاری از متفکران از آزادی به‌صورت مقید دفاع می‌کند. محدودیت‌های آزادی عبارتند از: آسیب نزدن به آزادی دیگران، آزادی مبتنی بر تفکر و نه عقیده، آزادی قلم در موضوعات دروغ و اغفال (و بی‌مشکل بودن آزادی حتی بی‌دینان مبتنی بر منطق اعلام‌شده) (مطهری، ۱۳۷۴: ۷۶) و قید دیگر آزادی، حفظ اخلاق و اصول اخلاقی است. (مطهری، ۱۳۷۲: ۷۰-۶۸).

از نگاه او آزادی سیاسی در نظام دینی تا آن حد مهم است که بی‌اعتنایی به آن مرادف با به‌بن‌بست رسیدن است (مطهری، ۱۳۶۱: ۶۲).

۵-۱-۲. مطهری و امنیت

نگارنده در جای دیگری به‌صورت مبسوط از اقسام امنیت درون (امنیت روانی و اخلاقی) و برون (امنیت ملی، امنیت شهروندی، امنیت حقوقی قضایی و امنیت

اجتماعی) سخن به‌میان آورده است.^(۲) مطهری در بحث تربیت در کنار قوه غاذیه و آزادی، از امنیت به‌عنوان یکی از احتیاجات هر موجود زنده‌ای یاد کرده است (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۳-۴).

در امنیت شهروندی باید آرامش شهروندان از سوی زمامداران و کارگزاران نه‌تنها تهدید نشده، بلکه تأمین شود. به‌عبارت دیگر، استاد مطهری مدافع نوعی از حکومت‌های مردم‌سالار و دموکراتیک بودند که جوهره دینی داشته^(۳) و حکام در خدمت مردم و حافظ منافع آنان هستند.

درباره امنیت صاحبان اندیشه استاد بر این باور بودند که در رژیم جمهوری اسلامی از به‌اصطلاح کانالیزه کردن اندیشه‌ها، خبر و اثری نخواهد بود؛ همه باید آزاد باشند که حاصل اندیشه‌ها و تفکرات اصیل‌شان را عرضه کنند (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۹).

در امنیت ملی، سهم دولت‌ها در دفاع از مرزها، حفظ عرض و جان مردم در مقابل بیگانگان و منافع ملی مورد اهتمام است. استاد مطهری در آثار مختلفی به سیره سیاسی امیرالمومنین اشاره دارند که می‌تواند در راستای بحث امنیت ملی بازخوانی شود (مطهری، ۱۳۷۴: ۸۳-۵).

در بحث امنیت اجتماعی، دولت اسلامی باید امنیت همه اقشار و آحاد جامعه را تأمین کند تا اشرار و متجاوزان آرامش جامعه را به‌خطر نیاندازند. در بحث رابطه دولت با امنیت اجتماعی تقابل خوارج با حکومت علوی از مصادیق قابل مطالعه و عبرت‌آموز است. استاد در این بحث نیز نظر به سیره علوی دارند (مطهری، ۱۳۷۳: ۳۸-۹).

بحث از تعامل سیاست و حکومت با موضوع امنیت اخلاقی و جایگاه دولت‌ها در تحقق امنیت اخلاقی بحثی حساس و راهبردی است. در یک دسته‌بندی می‌توان مجموعه کارکردهای حکومتی را به دو سطح تقلیل داد: نخست، کارکردهای خشن؛ دوم، کارکردهای لطیف. در نگاه استاد مطهری برای برقراری امنیت اخلاقی حکومت باید از هر دو نوع کارکرد خود بهره گیرد، با این تفاوت که کارکرد خشن و سخت حکومتی برای مخاطبانی است که امنیت اخلاقی جامعه را با هر انگیزه‌ای حتی انگیزه‌های مذهبی-معنوی به‌خطر می‌اندازند (مطهری، ۱۳۶۷: ۴۸-۹).

اما کارکرد لطیف و ملایم حکومتی در راستای برقراری و بسط امنیت اخلاقی به آنجا بازمی‌گردد که تفهیم نکات اخلاقی و درونی‌سازی مفاهیم ارزشی و اخلاقی نیاز به آموزش، برنامه‌ریزی، فرهنگ‌سازی و سال‌ها تلاش تربیتی دارد.

۶-۱-۲. مطهری و عدالت

تنها به اشاره گفته می‌شود که از نگاه استاد، عدل و عدالت چهار معنای متفاوت دارد:

۱. موزون بودن؛
 ۲. عدل به معنی مساوات؛
 ۳. عدل به معنای اعطا کردن به هر ذی‌حق، حق او را، که نظریه و معنای مقبول استاد شهید است؛
 ۴. رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه امکان وجود یا کمال وجود دارد (مطهری، ۱۳۷۲: ۶۳-۵۹).
- معنای مختار مطهری از عدالت از سویی با معنای لغوی عدل که «برابری و برابری» است و در عرف عام به معنای رعایت حقوق دیگران در برابر ظلم است، سازگاری دارد و از سوی دیگر، ریشه تاریخی دیرینه در اندیشه سیاسی دارد. در اندیشه سیاسی مطهری لازم است بحث عدل در رابطه با حاکم و حکومت مورد توجه قرار گیرد. در این زمینه مباحث استاد در کتاب «سیری در نهج‌البلاغه» در یک فصل به صورت منسجم آمده است. از جمله مسائلی که در نهج‌البلاغه فراوان درباره آنها بحث شده است، مسائل مربوط به حکومت و عدالت است (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۱۴-۱۰۸).

۷-۱-۲. مطهری و انقلاب

بی‌شک آماده‌ترین محتوا و متن مرتبط با دانش سیاسی در آثار استاد مطهری، مباحث مربوط به انقلاب و انقلاب اسلامی است که عمدتاً در کتاب «پیرامون انقلاب اسلامی» به صورتی منسجم و قوی مطرح شده و به همین دلیل نیازی به گزارش مبسوط و تأمل جدی ندارد. او در این اثر ضمن بررسی لغوی واژه انقلاب و انواع آن، (انقلاب صنعتی، انقلاب علمی و فرهنگی، انقلاب ادبی و انقلاب مذهبی) در

اصطلاح جامعه‌شناسانه، مفهوم اجتماعی انقلاب را «وضع‌ی را با اراده خود خراب کردن برای رسیدن به وضعی بهتر» و «واژگون کردن وضع حاکم برای برقراری نظم‌ی متعالی‌تر» معرفی می‌کند (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۱۰).

سپس برای تحلیل انقلاب ایران (انقلاب اسلامی)، شش متغیر زیر را طرح و بررسی می‌کند:

۱. حاملان انقلاب؛

۲. علل انقلاب؛

۳. اهداف انقلاب؛

۴. شعارهای انقلاب؛

۵. نقش رهبری؛

۶. حضور اقشار مختلف در انقلاب (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۱۷).

این بحث در بخش پایانی کتاب دیگر ایشان، یعنی «نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر»، تکمیل شده است.

۸-۱-۲. مطهری و توسعه

یکی از محورهای و مباحث اصلی و سرفصل‌ها در رشته علوم سیاسی، بحث توسعه (نظریه‌ها و مدل‌های توسعه‌یافتگی و...) است. واضح است که استاد شهید مرتضی مطهری در هیچ‌یک از آثار خود به‌طور مستقیم به بحث توسعه نپرداخته‌اند. اما به مناسبت دیگری به مفاهیم و مباحث نزدیک به توسعه به‌شرح زیر پرداخته‌اند.

ایشان بین مفاهیم تکامل و پیشرفت (که آن را تقریباً معادل توسعه فرض می‌کنند)، تفاوت قائل شده و درحالی‌که تکامل را به حرکت از سطحی به سطح بالاتر معنا می‌کنند، اما پیشرفت را حرکتی می‌دانند که گرچه می‌تواند رو به‌سوی بالا نیز داشته باشد، ولی در اصل، سطح حرکت افقی دارد (مطهری، ۱۳۷۵: ۱۸-۸).

براساس این قالب‌بندی شهید مطهری در ارزیابی تکامل بشری در ابعاد مختلف به نکات زیر می‌رسد: پیشرفت و کمال در ابزار و تسخیر طبیعت، و از جهت ساختمان و تشکیلات اجتماعی محرز و آشکار است. ایشان سپس می‌پرسند: «آیا عواطف انسان‌ها نسبت به یکدیگر به همان نسبت پیشروی پیدا کرده است؟ در این

زمینه بین صاحب‌نظران وحدت نظر وجود ندارد» (مطهری، ۱۳۷۵: ۱۸-۸).
 گرچه استاد مطهری فعالانه و اثباتی به بحث توسعه نپرداخته‌اند، ولی از بین مجموعه آثار ایشان می‌توان قوی‌ترین پاسخ‌ها را بر شبهاتی که بر دین به‌عنوان مانع توسعه مطرح شده است، یافته و عناصر لازم را برای اصول توسعه استنتاج کرد. نگارنده در مقاله‌ای مستقل به چهار شکل اساسی (قضا و قدر؛ زهد و دنیاگریزی؛ دولت‌گرایی و دولت‌محوری؛ سنت و تجدد) که به‌عنوان مانع توسعه در جوامع دینی مطرح می‌شوند، از دیدگاه استاد مطهری پرداخته است.^(۴)

۹-۱-۲. مطهری و ملیت

استاد مطهری در کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» بین هویت ایرانی با اسلامی تعارضی ندیده و از خدمات متقابل اسلام به ایران و برعکس، خدمات ایرانیان به اسلام به‌صورت مستدل بحث می‌کند. برای ورود به موضوع، هم مقدمات نظری خوبی ارائه می‌دهد که لازم است در رشته علوم سیاسی دقیقاً مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد و هم لازم است سرفصل و حتی درسی با عنوان «هویت و ملیت» در دروس این رشته (مثلاً در دو واحد) پیش‌بینی و دیدگاه‌های مختلف از جمله نگرش استاد در مورد این موضوع، محور بحث و فحص قرار گیرد. طرح مسئله او مباحث مربوط به جهان اسلام و هویت اسلامی را نیز دربر می‌گیرد.

در این بحث، استاد واژه و اصطلاح «ملت» را معنا کرده است (مطهری، ۱۳۶۲: ۵۶)، و معانی امروزی و مرتبط با سیاست آن را بررسی می‌کند (مطهری، ۱۳۶۲: ۵۷). ایشان جنبه‌های مثبت و منفی ناسیونالیسم را تبیین می‌کنند (مطهری، ۱۳۶۲: ۶۱). از نگاه استاد آنچه آنها را به‌صورت ملت واحد درآورده است، زندگی مشترک و قانون و حکومت مشترک است (مطهری، ۱۳۶۲: ۶۰-۵۸).
 استاد، ملاک اصلی خودی بودن را رنگ ملت خاص نداشتن و پذیرش بارغبت ملت‌ها می‌داند (مطهری، ۱۳۶۲: ۶۲-۵).

۱۰-۱-۲. فلسفه سیاسی در آثار شهید مطهری

اگر مطهری معتقد بود که روحانیت باید با مراجعه به فرهنگ اسلامی مثلاً فلسفه سیاسی اسلامی تولید کرده و در اختیار دیگران قرار دهد، در منابع یادشده (درباره

انقلاب اسلامی و... برخی از پرسش‌های فلسفه سیاسی درباره حکومت و جامعه اسلامی طرح و بحث شده‌اند.

موضوع بحث فلسفه سیاسی، کل دولت یا جامعه سیاسی است (بشیریه، ۱۳۷۴: ۳۲-۴). در جدول زیر چارچوب دو مسئله مهم فلسفه سیاسی ترسیم شده است.

جدول شماره (۲). چارچوب دو مسئله مهم فلسفه سیاسی

تزهای اصلی در فلسفه سیاسی			
متفکران	ایده اصلی	موضوع	ردیف
جان لاک	انسان طبعاً فردگراست	مسئله ماهیت طبع انسان	۱
مارکس (جونان)	انسان طبعاً اجتماعی است		
ارسطو	انسان طبعاً سیاسی است		
جرمی بنتام و جان استوارت میل	انسان طبعاً غیرسیاسی است		
هگل	انسان طبعاً عقلانی و آزاد است		
هایز	انسان طبعاً غیرعقلانی و مجبور است		
ویلیام گادوین	انسان طبعاً کمال‌پذیر است		
آگوستین	انسان طبعاً کمال‌ناپذیر است		
ریشه در فلسفه یونان دارد و هگل مهم‌ترین نماینده متفکران متجدد	نظریه دولت به‌عنوان پدیده‌ای ارگانیکی (اندام‌وار)	مسئله ماهیت دولت	۲
ریشه در قرارداد اجتماعی دارد	نظریه دولت به‌عنوان پدیده‌ای مکانیکی		

درباره ماهیت طبع انسان می‌توان براساس مجموع دیدگاه‌های استاد مطهری در مورد موضوع «فطرت» به پاسخ منقحی متناسب با پرسش‌های سیاسی براساس اندیشه بومی رسید. در بُعد انسان‌شناسی بدون شک استاد مطهری در آثار مختلف خود مطالب فراوانی دارد که با اندک ذوق و توانایی به سهولت می‌توان با رویکرد سیاسی به تألیف کتاب مستقل و یا دست‌کم مقاله‌ای در این زمینه اقدام کرد. آنچه جای تأمل بیشتری دارد و تلاش سنگین‌تری را می‌طلبد، پاسخ به ماهیت دولت از نگاه استاد مطهری است. در این زمینه مجموعه دیدگاه‌های ایشان درباره ماهیت جامعه (مثلاً در کتاب جامعه و تاریخ) نقطه عزیمت خوبی هستند.

۳. مطهری، قدرت و قدرت سیاسی

گفته شد که سیاست از یک دیدگاه به معنای علم قدرت سازمان‌یافته است. واقعیت این است که اندیشه سیاسی مطهری در این بُعد چندان غنی نیست، درعین حال موادی در اندیشه این متفکر وجود دارد که حکایت از نگاه مثبت او به نیرومندی و

توانایی در ابعاد فردی و جمعی دارد.

۱. استاد مطهری در «ده گفتار» حتی از مفهوم تقوا نیز قرائتی ارائه می‌کنند که در خدمت قوت و قدرت روح قرار می‌گیرد (مطهری، ۱۳۶۸: ۷-۱۱).

عده‌ای برای تبیین دلایل توسعه‌یافتگی غرب سخن از دنیاپذیر بودن اخلاق پروتستانی گفته‌اند.^(۵) بر این اساس می‌توان در یک مطالعه گسترده این تز را به بحث گذاشت که آیا اخلاقی که استاد مطهری به آن توصیه می‌کرد، اصولی دنیاگریز و دنیاستیز بودند، یا اصولی دنیاپذیر؟ به‌اجمال پاسخ نویسنده این است که استاد مطهری مدافع اخلاق دنیاپذیر بودند. نکته اشاره‌شده درباره قدرت روحی و نکات بعدی درباره قدرت از نگاه استاد مطهری می‌تواند کمترین دلیل ادعای یادشده باشند.

۲. نگرش مطهری در بحث قدرت، پشتوانه نیرومند عقلی و فلسفی نیز داشته و نگرش ایشان در این بحث در مقابل دو دیدگاه افراطی و تفریطی قرار می‌گیرد. در سوی افراط این دیدگاه شیوه تفکر نیچه قرار می‌گیرد که مدافع نظریه «اراده معطوف به قدرت» است (فروغی، ۱۳۹۰: ۲۲۴).

در مقابل این دیدگاه، نگرش تفریطی کسانی در فلسفه اخلاق قرار دارد (می‌توان این دیدگاه‌ها را نظریه اراده معطوف به عاطفه و محبت نامید) که از قدرت گریزانند. به تعبیر استاد، اخلاق هندی نیز اخلاق عاطفی است. استاد پس از طرح گسترده این دیدگاه، نقد مبسوطی نیز بر آن دارند. (مطهری، ۱۳۷۲: ۷-۴۳).

۳. استاد مطهری بحث عزت را فراتر از سطح فردی آن نیز مورد توجه قرار داده و می‌گویند: در اصل استقلال و عزت جامعه اسلامی، باید به چند اصل توجه داشته باشیم. یکی اینکه اسلام چگونه جامعه‌ای را می‌خواهد؟ البته واضح است که اسلام، خواهان جامعه‌ای عزیز و مستقل و متکی به خود است، اسلام نمی‌پسندد که یک ملت مسلمان، زیردست و توسری‌خور یک ملت غیرمسلمان باشد (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۶۹-۷۱).

۴. اگر امروزه گفته می‌شود که علم و دانش قدرت است^۱، مطهری تذکر می‌دهد، اینکه ما همواره حدیث و آیه بخوانیم که اسلام طرفدار علم است، فایده‌ای

1. The knowledge is Power

ندارد، زیرا آنچه برای انسان‌ها مهم است، رفتار و عملکرد مسلمانان در زمینه علم است؛ آن هم علمی که عمومیت داشته، به صورت یک جهاد مقدس درآید (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۵۳).

از لوازم توسعه علم و دانش، وجود سعه صدر نسبت به صاحبان دانش در ابعاد مختلف است. از این رو استاد به درستی بر این باور بودند که یکی از علل سرعت پیشرفت مسلمانان در علوم این بوده است که در اخذ علوم و فنون و صنایع و هنرها تعصب نمی‌ورزیدند (مطهری، ۱۳۶۲: ۴۴۵).

۵. مطهری از طرفداران تلازم دین و سیاست بود و در اندیشه او بروز خشونت در بالاترین شکل آن نیز که معمولاً از سوی خداوندان قدرت و دولت اعمال می‌شود، با توجیه زیر موجه و مقبول است. از نظر ایشان اسلام هم دین شمشیر است و هم دین محبت؛ از این رو در تألیف مستقلی به بحث جهاد در اسلام می‌پردازد و از جمله می‌نویسد: «در قرآن در سوره انفال آیه ۶۰ آمده است که: و شما (ای مؤمنان) در مقام مبارزه با آنها خود را مهیا سازید، تا آن حد که می‌توانید از آذوقه و آلات جنگی و اسبان سواری برای تهدید دشمنان خدا فراهم سازید».

(مطهری، ۱۳۶۷: ۱۸-۱۴).

در علم سیاست و به ویژه در رشته روابط بین‌الملل، قدرتمند شدن با قصد بازداشتن رقیب از تعرض به خودی را استراتژی «بازدارندگی» می‌نامند، که پس از جنگ جهانی دوم و در پی ورود تسلیحات اتمی به میادین رقابت‌ها و جنگ‌ها مطرح شده است (oltob, 1982: 181).

به نظر می‌رسد که نیرومند بودن یک ملت و کشور و حتی فرد، و آگاهی رقیب از این گونه توانایی اصلی فراگیر بوده و به تسلیحات اتمی محدود نمی‌شود. با این وصف، به راحتی می‌توان ادعا کرد که اصل بازدارندگی نه در دهه‌های اخیر، بلکه در بیش از چهارده قرن پیش در مهم‌ترین منبع آسمانی، یعنی قرآن مطرح شده و کارشناسان دینی چون مطهری به آن استناد می‌کنند.

نتیجه‌گیری

۱. مجموعه مواد استخراج شده در این نوشتار از سویی به دو سنخ تقسیم می‌شوند: مباحث سیاسی که استاد مستقیم و متمرکز به آنها پرداخته است (مثلاً بحث انقلاب، جنبش‌های سده اخیر و...)، دوم، مواردی که شهید مطهری غیرمستقیم از مسائل سیاسی سخن به میان آورده است. از جمله این مسائل که در این نوشتار آمده‌اند عبارتند از: امنیت، قدرت سیاسی و....

۲. واقعیت این است که از یک سو نگاه مطهری به مباحث، مسئله‌محور بود و از سوی دیگر، مباحث سیاسی به‌ویژه در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ در ایران به صورت مسئله درآمده بودند، اما اندیشه سیاسی استاد در مجموعه آثارش نسبت به بسیاری از مباحث دیگر کم‌رنگ‌تر و کم‌حجم‌تر هستند. در تبیین چرایی موضوع، سه فرضیه می‌تواند مفاد و مواد اندک سیاسی در اندیشه مطهری را توجیه کند: فرضیه نخست: رژیم پهلوی اجازه تولید اندیشه سیاسی را به امثال مطهری نمی‌داد؛

فرضیه دوم: گزینه دیگر این است که ممکن است استاد مطهری درباره مبانی نظام سیاسی و شیوه حکومت مطلوب از نگاه اسلامی با بزرگان قیام و به‌ویژه امام خمینی در مواردی هم‌نظر نبودند (مثل دیدگاه مطهری درباره اختیارات ولی فقیه)؛ فرضیه سوم: نگارنده در جای دیگری گفته است که دیدگاه‌های موجود درباره اسلام را از نظر دامنه می‌توان به سه دسته تقلیل داد: طرفداران دین موسع، مضیق و معتدل.^(۶) از نگاه نگارنده، استاد مطهری قرائت معتدل از دین داشتند و از این رو نباید از ایشان توقع نظریه‌های سیاسی وسیع و ارائه الگوها و مدل‌های سیاسی که به مناسبات قدرت در شرایط موجود می‌پردازند، با رویکرد دینی داشت.

۳. اما چرا شهید مطهری قرائت معتدل از دین داشت؟ مطهری متأثر از پرسش‌های فضای روشنفکری و به دلیل ارتباط مداوم با استادان دانشگاه و به سبب حضور در انجمن‌های علمی دانشجویی، به روایت متعادل‌تر و معقول‌تری از دین در ابعاد مختلف رسید.

۴. این رشته از دانش، علوم متنوعی را دربر می‌گیرد. مثلاً در این رشته، علوم وجود دارند که ارزشی و اعتباری هستند و دسته دیگری که غیرارزشی و از جمله

علوم حقیقی می‌باشند. با این وصف واضح است که اندیشه سیاسی مطهری ظرفیت اصلی‌اش در تولید مباحث و سرفصل‌هایی از علم سیاست است که دارای بار ارزشی است و البته از مباحث دیگر نیز کاملاً فارغ نیست (مثلاً بحث انقلاب، یا ملیت).

۵. آیا می‌توان بین مبانی فکری شهید مطهری و اندیشه سیاسی ایشان ارتباط برقرار کرد؟ مثلاً گفت چون این اندیشمند، صدرایی فکر می‌کرد، به این نتایج سیاسی نیز می‌رسید. این‌گونه تأثیرها به تعبیر فوکو به «دیرینه‌شناسی»^(۷) علم بازمی‌گردد. به نظر می‌رسد که پاسخ این پرسش مثبت نیست. زیرا بسیاری از هم‌درس و بحث‌های مطهری در حوزه، با وجود صدرایی اندیشیدن و ده‌ها نکته مبنایی دیگر مشترک با مطهری، اندیشه سیاسی عکس ایشان مثلاً در تعامل مردم و حاکم داشتند و به میزان مطهری تساهل در مقابل اندیشه‌های مخالف نداشتند.

اما می‌توان بین ارتباطات و تعاملات مطهری در بیرون از حوزه علمیه و نسبتش با محیط آکادمیک با شیوه نگاهش ارتباط معناداری دید. به عبارت دیگر مطهری در محیط دانشگاهی با مخاطبانی سروکار داشت و با پرسش‌هایی روبه‌رو بود که دیگر هم‌دوره‌ای‌های او از چنین موقعیت و امتیازی بی‌بهره بودند. این تأثیر و تأثر را فوکو تأثیرات «تبارشناسانه» نام می‌نهد.

۶. نکته مهمی که کوهن در فلسفه علم به همگان می‌آموزد این است که تغییر پارادایمی علمی تنها با وجود رقیب نیرومندتر علمی ممکن است تا با انقلابی سيطرة علوم و عالمان موجود را خاتمه دهد. مطابق نظر کوهن، اختلاف همه‌جانبه و مناقشه مداوم در مورد اصول، از ویژگی‌های ممیز پیش‌علم است (چالمرز، ۱۳۷۴: ۱۱۳ و ۱۱۷).

می‌توان پرسید، آیا اندیشه سیاسی مطهری پس از او استمرار هم یافت؟ آیا باورهایش به‌عنوان مبنا و مرجعی شرح و بسط پذیرفت؟ اگر آری در کدام منابع؟ و اگر نه چرا؟ به نظر می‌رسد که پاسخ صحیح به‌حاشیه‌راندن دیدگاه‌های او در دو دهه اخیر است و این خود نشانه‌ای است بر فقدان دانش نیرومند و هم‌افزایی در علم سیاست که بتواند پارادایم رقیب را تهدید کند. با این وصف برخورد بخش‌نامه‌ای و امنیتی، راه تولید دانش نیست. تنها راه تغییر پارادایم آن است که دانشی نیرومندتر

و سرفصل‌ها و مفادی وسیع‌تر و عمیق‌تر از جمله در علوم سیاسی تولید شود. ۷. در این مطالعه معلوم شد که توجه مطهری به مباحث مربوط به علوم سیاسی عمدتاً درباره نظام سیاسی و مباحث ارزشی سیاست بود، تا بقیه مسائل علم سیاست (جامعه‌شناسی سیاسی، روانشناسی سیاسی، اقتصاد سیاسی و...). البته در موارد محدودی چون ملیت، انقلاب و... نکات علمی و فرادینی را نیز مورد بحث قرار داده است.

در مباحث ارزشی دانش سیاسی هم مطهری با توجه به روحیه شخصی و توانایی‌های فکری، بیشتر به مباحث مربوط به فلسفه سیاسی پرداخت تا مثلاً فقه سیاسی و یا اخلاق سیاسی؛ هرچند آثار شهید مطهری از این‌گونه مباحث نیز خالی نیست.

همچنین اگر بتوان محورهای اصلی سرفصل‌های علوم سیاسی در مقطع کارشناسی را در شش محور جدول زیر به تصویر کشید:

جدول شماره (۳). محورهای اصلی سرفصل‌های علوم سیاسی در مقطع کارشناسی

ردیف	عنوان
۱	دروس اندیشه سیاسی
۲	دروس مبانی و پایه
۳	دروس روشی و مهارتی
۴	دروس مسائل ایران
۵	دروس مسائل جهان
۶	دروس اختیاری

مباحث مطهری با برخی از دروس اندیشه سیاسی (مثل فلسفه سیاسی، اندیشه سیاسی در اسلام، انقلاب و جنبش‌های سیاسی خاورمیانه و...) و نیز دروس پایه (مبانی و اصول سیاست در اسلام، مبانی حقوق و جامعه‌شناسی و...) سنخیت بیشتری دارند. همچنین می‌توان برخی از درس‌ها را براساس آثار استاد (مثلاً بحث هویت، قومیت و ملیت و یا بحث جنگ و صلح در اسلام...) تدوین و در درس‌های اختیاری به دانشجویان پیشنهاد کرد.

همچنین مشخص شد که در برخی از مسائل که هم‌اکنون از مسائل نظام و ایران است، (مسائل مربوط به امنیت در ابعاد مختلف آن و...) آثار استاد مطهری این ظرفیت را دارد که ضمن بازخوانی و بازنویسی به برخی پرسش‌های جدی سیاسی

با ارجاع به اندیشه ایشان پاسخ داد؛ به‌ویژه اینکه علوم سیاسی موجود متهم است که نه با مسائل جامعه ایران هم‌ساز است و نه با مشکلات حکومت. می‌توان با نگاهی راهبردی مشکلات سیاسی ایران امروز را مسئله‌یابی و برشماری نمود و آن‌گاه به تناسب ظرفیت منابع استاد (که البته همه موضوعات را پوشش نمی‌دهد و نیز ممکن است به‌صورت کامل هم عناوین و سرفصل‌ها را تغذیه نکند) بسیاری از آن مباحث را با مبنا قرار دادن مواد خام مطهری پاسخ داد. در این صورت علوم سیاسی جهت‌گیری کاربردی نیز خواهد یافت.

۸. در مجموع یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که تا رسیدن به پارادایمی غیر از پارادایم علوم سیاسی موجود، فاصله زیادی باقی است و از این‌رو به‌جای تعجیل در تعویض سرفصل‌ها، اهتمام بیشتر باید بر تولید محتوا و مواد دانش سیاسی باشد. در بین رهیافت‌های سیاسی متدینان (سه رهیافتی که در ابتدا از آنان سخن به‌میان آمد) نیز گفتمان فکری استاد مطهری به مبانی و اصول انقلاب اسلامی نزدیک‌تر است؛ از این‌رو این بسط باید در راستای اندیشه سیاسی استاد مطهری و در جهت تکمیل آن باشد.*

یادداشت‌ها

۱. سایت استاد مطهری به آدرس:

<http://motahari.org/Ketabha.html>

۲. مراجعه شود به: منصورنژاد، محمد، *امنیت اجتماعی از دیدگاه اسلام (قرآن کریم و سیره معصومین)*، امام خمینی و مقام معظم رهبری، تهران: معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور، ۱۳۸۲.
۳. این مدل، یعنی ایده مردم‌سالاری دینی در مقابل دو ایده قرار می‌گیرد: حکومت ولایی و حکومت جمهوری یا مردم‌سالار. شرح این دو گونه تفکر را دست‌کم در منابع زیر ببینید:
 - مصباح یزدی، *حکومت ولایی*، ۱۳۷۹، ص ۲۱۸؛
 - حائری یزدی، *حکومت جمهوری*، ۱۹۹۰ م، صص ۱۴۵-۱۴۴.
۴. تفصیل بحث در: منصورنژاد، محمد، *دین و توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی*، جلد دوم، تهران: انتشارات جوان پویا، ۱۳۸۹، صص ۴۵-۱۷.
۵. مراجعه شود به: وبر، ماکس، *اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری*، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران: نشر سمت، ۱۳۷۱.
۶. مراجعه شود به مقاله اول از: منصورنژاد، محمد، *دین و توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی*، تهران: مؤسسه نشر علوم نوین، ۱۳۷۹.
۷. دیرینه‌شناسی و تبارشناسی دو مفهومی هستند که به دو دوره فکری میشل فوکو اشاره دارند. دیرینه‌شناسی شیوه تحلیل قواعد نهفته و ناآگاهانه تشکیل‌گفته‌ها در علوم انسانی است. هدف از آن توصیف آرشیوی از احکام است که در یک عصر و جامعه خاص رایج‌اند. در اینجا سخنی از منشأ گفتمان و یافتن آن در ذهنی بنیان‌گذار به میان نمی‌آید. فوکو که در نوشته‌های آغازین در قالب این گفتمان نظریه‌پردازی می‌کرد، در نوشته‌های متأخرش به تبارشناسی روی آورد. این آثار دیگر تنها با گفتمان‌ها سروکار ندارند، بلکه در آنها بر روابط دانش و قدرت و پیوندهای صورت‌بندی‌های گفتمانی با حوزه‌های غیرگفتمانی تأکید گذاشته می‌شود. برای مطالعه تفصیلی دست‌کم مراجعه شود به: دریفوس، رابینو، ۱۳۷۶، صص ۲۰-۳.

منابع

- بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، *دولت عقل*، تهران: مؤسسه نشر علوم نوین.
- چالمرز، آلن.ف (۱۳۷۴)، *چیستی علم: درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی*، تهران: شرکت انتشارات علوم فرهنگی.
- حائری‌یزدی، مهدی (۱۹۹۰)، *حکمت و حکومت*، انگلستان: انتشارات شادی.
- دوورژه، موریس (۱۳۵۸)، *اصول علم سیاست*، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی (چاپ پنجم).
- فروغی، محمدعلی (۱۳۹۰) *سیر حکمت در اروپا؛ ج سوم*، تهران: نشر زوار، چاپ هفتم.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۹)، *حقوق و سیاست در قرآن*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱)، *سیری در نهج‌البلاغه*، قم: انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۳۶۱ب)، *پیرامون انقلاب اسلامی*، تهران: انتشارات صدرا.
- _____ (۱۳۶۲)، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ دوازدهم.
- _____ (۱۳۶۵)، *ولاءها و ولایت‌ها*، تهران: انتشارات صدرا.
- _____ (۱۳۶۷)، *جهاد*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ دوم.
- _____ (۱۳۶۸ الف)، *نهضت‌های اسلامی در صدسال اخیر*، چاپ دوازدهم.
- _____ (۱۳۶۸ ب)، *ده گفتار*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ پنجم.
- _____ (۱۳۷۱)، *حماسه حسینی؛ ج ۳*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ سیزدهم.
- _____ (۱۳۷۲ الف)، *اخلاق جنسی در اسلام و در جهان غرب*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ هفتم.
- _____ (۱۳۷۲ ب)، *عدل الهی*، تهران: انتشارات صدرا.
- _____ (۱۳۷۲ ج)، *فلسفه اخلاق*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ یازدهم.
- _____ (۱۳۷۳ الف)، *سیری در سیره ائمه اطهار*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ دهم.
- _____ (۱۳۷۳ ب)، *گفتارهای معنوی*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ چهاردهم.
- _____ (۱۳۷۴)، *پیرامون جمهوری اسلامی*، تهران: انتشارات صدرا.
- _____ (۱۳۷۵)، *تکامل اجتماعی انسان به ضمیمه هدف زندگی*، تهران: انتشارات صدرا.

منصورنژاد، محمد (۱۳۸۲)، امنیت اجتماعی از دیدگاه اسلام (قرآن کریم و سیره معصومین)، امام خمینی و مقام معظم رهبری، تهران: معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور.

منصورنژاد، محمد (۱۳۸۹)، دین و توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، جلد دوم، تهران: انتشارات جوان پویا.

منصورنژاد، محمد، دین و توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، تهران: مؤسسه نشر علوم نوین.

میراحمدی، منصور (۱۳۸۱)، آزادی از دیدگاه استاد مطهری؛ کتاب اندیشه سیاسی آیت الله مطهری، قم: بوستان کتاب.

وبر، ماکس (۱۳۷۱)، اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران: انتشارات سمت.

Jack c- Plano Roy Oltob (1982), "International Relation Dictionary", Longman, (Fourth Edition), p.181